

نقش تاریخ شفاهی در مطالعات تاریخی اقتصاد ایران

دکتر علی اصغر سعیدی*

چکیده: هدف اصلی این مقاله نشان دادن مصاحبه‌هایی با مردم به ویژه با تاجران و طبقات حاکم است که نقش‌هایشان در تاریخ سیاست و اقتصاد اهمیت داشته است و همین به عنوان یک بایگانی شفاهی نمونه محسوب می‌گردد و منبع مناسبی برای تهیه شرح حال است. به همین سبب، این مقاله محتواها، تولیدات و روش‌شناسی‌های طرح‌های تاریخ شفاهی ایرانی را، که منبع مناسبی برای مطالعه نقش آن‌ها در تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران است، در دوره پهلوی تحلیل می‌کند (۱۳۱۶-۱۳۵۷ش/ ۱۹۴۰-۱۹۷۹م). مقاله پردازش این طرح‌ها را اعم از موافقت‌نامه رسمی، روش مصاحبه، مصاحبه فردی، یادآوری خاطره در مورد دیگران، پردازش، حفظ و افزایش عینیت و غیره را مرور می‌کند. این مقاله مجموعه تاریخ شفاهی را بحث و بررسی خواهد داد که برای فهم ما از دوره‌های اساسی تاریخ جهانی در طول قرن گذشته بسیار راهگشا خواهد بود. این مقاله همچنین، آن طرح‌های تاریخ شفاهی را، که به طور استثنایی بجا هستند، نه به علت تغییرات رایج در تاریخ جهانی، بلکه به علت تجربیات بسیاری از مردم که در عرصه سیاست با آن سر و کار دارند، را نگهداری می‌کند؛ همچنین، فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها و به هم ریختگی‌های سال‌های گذشته زندگی آن‌ها باید ضبط و جمع‌آوری شود و در دسترس نسل‌های آینده محققان در قالب‌های متفاوت قرار گیرد.

کلیدواژه: روش‌شناسی کیفی، مجموعه تاریخ شفاهی، عینیت علمی، مصاحبه، شرح حال‌نویسی، بازاندیشی اجتماعی، ضبط خاطرات

مقدمه

مجموعه‌های تاریخ شفاهی یکی از روش‌های بررسی تاریخی بر پایه روش‌شناسی کیفی در علوم اجتماعی به شمار می‌آیند که به عنوان مأخذ علمی درجه اول در تحلیل‌ها و مطالعات استفاده می‌شود. این نوع مجموعه‌ها در بسیاری از کشورهای غربی در تمام زمینه‌ها به صورت طرح‌های ملی به طور دائمی در جریان است. مجموعه‌های تاریخ شفاهی در ایران نیز، بر خلاف تحقیقات تاریخی زیادی که بعد از سقوط سلسله پهلوی در ایران انجام شده است، رهیافت دیگری دارند و به هدف جبران کمبود محسوس انتشارات تاریخی به ویژه تاریخ اقتصادی صورت گرفته و در تلاش بوده‌اند تا ابعاد سیاسی و رویدادهای تاریخی را که به آن بسیار پرداخته شده، به کناری گذارد و به تحولات اساسی اجتماعی و اقتصادی آن دوره بپردازد. هدف اصلی این مقاله توصیف و تحلیل عینیت علمی و نقش این مجموعه‌ها بر اساس ارائه گزارشی از اهداف و روش‌شناسی آنهاست. در این راستا نشان داده خواهد شد که چگونه مصاحبه با رجال سیاسی و اهل دیوان، رهبران و مسئولان جنبش‌های چپ، رهبران و هواداران نهضت ملی، علمای طراز اول، رهبران و هواداران نهضت‌های اسلامی، نویسندگان، هنرمندان، روشنفکران، زنان، اقلیت‌های قومی و دینی و نیز مقامات و فن‌سالاران اقتصادی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند به رفع برخی ابهامات در تاریخ اقتصادی معاصر کشور کمک کند. چون به هر حال، در تعریف تاریخ اقتصادی دست ما باز است و می‌توانیم از تحولات اجتماعی و سیاسی نیز در تبیین تحولات اقتصادی استفاده کنیم (Outhwaite And Bottomore, 1993). همچنین، سعی می‌کنیم تا حدی این مسئله را روشن کنیم که چگونه جمع‌آوری این گونه روایت‌ها از گروه‌های برجسته اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر اساس روش‌شناسی علمی و کیفی توانسته است بایگانی‌های فوق‌العاده و منابع منحصر به فردی برای انجام تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی و شرح حال‌نویسی فراهم کند. بحث روش‌شناسی تاریخ شفاهی در ضمن مشکلات تهیه این مجموعه‌ها را نیز نشان می‌دهد. در پایان نیز به ارزیابی پیامدهای ناخواسته گسترش این نوع روش نه تنها در تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازیم

بلکه این سؤال را مطرح خواهیم کرد که آیا گسترش مجموعه‌های تاریخ شفاهی در ایران خود نشانه رشد پدیده‌ی بازاندیشی اجتماعی (social reflexivity) و فردیت و امکان ابراز خود (self-expression) نیست که به صورت طیفی از داستان‌نویسی، شرح حال‌نویسی و حدیث نفس (اتوبیوگرافی) نمودار می‌شود؟ (رک. گیدنز، ۱۳۸۰).

وضع موجود مجموعه‌های تاریخ‌های شفاهی (با تأکید بر ابعاد اقتصادی)

خاستگاه مجموعه‌های تاریخ شفاهی در علوم اجتماعی بر خلاف انتظار به اختراع دستگاه ضبط صوت بر نمی‌گردد بلکه در دهه ۱۹۶۰م. بود که اولین برنامه تاریخ شفاهی در دانشگاه کلمبیای نیویورک توسط «آلن نوینز» تأسیس شد و طی آن خاطرات بعضی از شخصیت‌های تاریخی را ضبط کردند.^۱ در سال ۱۹۶۲م. پس از قتل‌کنندگی برنامه‌ای برای ضبط خاطرات همکاران او بر اساس شیوه تاریخ شفاهی در دانشگاه کلمبیا تدوین شد که ۱۱۰۰ نفر مصاحبه و خاطراتشان ضبط شد. این برنامه در دوره جانسون هم ادامه یافت. در حال حاضر صدها طرح تاریخ شفاهی در اروپا و آمریکا وجود دارد و برنامه‌های تاریخ شفاهی به عنوان طرح ملی به حساب می‌آیند که در طول سال با تمامی قشرهای مختلف گفتگو می‌گردد و تجربیات آنها جمع‌آوری می‌شود (رک. یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). به علاوه گسترش خاطره‌نویسی و وجود این مجموعه امکان کارهای متعددی را فراهم کرده است؛ به طور مثال، یکی از کاربردهای مشخص و روزانه این مجموعه‌ها وجود صفحه‌ای در روزنامه‌ها به نام صفحه «شرح حال درگذشتگان» (obituary) که در کشورهایی که در این زمینه زیاد کار نکرده باشند، نمی‌توان به طور منظم به این کار دست زد.

در ایران هیچ سابقه‌ای از وجود تاریخ شفاهی در ایران تا بعد از انقلاب وجود ندارد و تنها بعد از انقلاب شرایطی فراهم شد که امکان جمع‌آوری علمی مصاحبه را فراهم کرد. این مسئله مهمی است که وجود این شرایط اگر نبود، امکان جمع‌آوری علمی مصاحبه فراهم نمی‌شد. این شرایط در مورد برخی دیگر تاریخ‌های شفاهی مانند تاریخ شفاهی روسیه در دانشگاه هاروارد نیز صدق می‌کرد. نیاز به جمع‌آوری تاریخ شفاهی به علت کمبود مدارک تاریخی در ایران بود؛ به ویژه برای تحلیل‌های تاریخی

که تا حد زیادی به نظام سیاسی بسته ایران برمی‌گشت. به علاوه اینکه دلایل دیگر نیز وجود داشت که تمامی محققان تاریخ با آن آشنا هستند، از جمله پراکندگی اسناد و مدارک و نبود یک نظام صحیح در نگهداری مدارک و اسناد تاریخی. البته آنچه در این دوره معاصر تا انقلاب به طور نظام‌یافته می‌توان یافت، مربوط به مدارکی نزد خارجی‌ها می‌شود که در بسیاری موارد دسترسی به آن محدود است. مانند وجود مرکز ضبط مدارک عمومی در بریتانیا (Public Record Office) که بعد از گذشت ۳۵ سال از عمر اسناد محرمانه وزارت خارجه و کنسول‌های خارجی در دسترس عموم قرار می‌دهد.

طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد

اما در مورد ایران پیشنهاد اجرای اولین طرح تاریخ شفاهی توسط دانشگاه هاروارد بر اساس مدل تاریخ شفاهی انقلاب روسیه انجام شد؛ زیرا مشابهت‌هایی از این جهت بین دو انقلاب وجود داشت؛ برای مثال، هر دو انقلاب به مهاجرت مقامات رده‌اول انجامیده بود.

شروع کار تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد با مدیریت حبیب لاجوردی سال ۱۹۸۱م. شروع شد. بودجه طرح که به عنوان طرحی که «ابزار مطالعات» بعدی (research tool) را تقویت می‌کند، به حساب می‌آمد، توسط بنیاد فورد، کمک‌های ایرانی‌ها و دانشگاه هاروارد تأمین شد. هدف طرح نیز استفاده از فرصت منحصر به فرد وجود مقامات ارشد رژیم پهلوی در خارج برای جمع‌آوری خاطرات بود.

سؤالات اصلی حول نقش و جایگاه روایت‌کننده در طبقه حاکم و رابطه‌اش با شاه بود. همچنین، سؤالات بیشتر در جهت روشن شدن خاستگاه‌های اجتماعی و سیاسی مصاحبه‌شونده و روشن کردن نوع اقتدار نظام سیاسی و نهادهای اصلی آن بود.

در این طرح با ۱۳۲ نفر مصاحبه شد و نتیجه کار حدود ۱۸۰۰۰ صفحه شد. همچنین، بر اساس توافق‌نامه دو روایت‌کننده از مجموعه هنوز مشخص نیست و منتشر نشده است.^۲ این امکانی است که همان طور که در قسمت ویژگی‌های روش‌شناسی به آن اشاره می‌کنیم، در اختیار افراد قرار می‌گیرد تا با اطمینانی که به آنها داده می‌شود، روایت‌ها در محیطی خالی از نفوذ عوامل بیرونی بر ذهن روایت‌کننده باشد.

البته این نوع طرح‌ها و مجموعه‌ها مشکلات خاص خود را دارند که عبارت‌اند از: جدید بودن کار به ویژه برای مصاحبه‌شونده که علی‌رغم این گونه اطمینان‌ها به هر حال ممکن است سوءظن‌هایی ایجاد کند.

بایگانی تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران

مجموعه‌های تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران به طور اخص با حفظ ویژگی‌های اصلی روش‌شناسی به طور دیگری منتشر شده‌اند؛ یعنی اول، ضبط مصاحبه‌ها؛ دوم، پیاده شدن و سوم، بازبینی توسط روایت‌کننده. این مجموعه‌ها با نام «مجموعه توسعه و عمران ایران» منتشر شده است (Afkhani, 1994).

«برنامه انرژی اتمی ایران؛ تلاش‌ها و تنش‌ها، مصاحبه با اکبر اعتماد». مصاحبه اکبر اعتماد در باره تاریخ برنامه انرژی اتمی حول سیاست آمریکا و ایران، سؤال اصلی است که در این کتاب مطرح شده است. همچنین، خواننده با تاریخچه تشکیل و تحول سازمان انرژی اتمی آشنا خواهد شد. برای مثال، این مسئله مطرح می‌شود که آیا آمریکا با وجود رابطه خوب با شاه با انجام این طرح موافق بود؟ (Afkhani, 1997).

سایر آثار این مجموعه نیز عبارت‌اند از: «تحولات صنعت نفت ایران؛ نگاهی از درون، مصاحبه با پرویز مینا و فرخ نجم‌آبادی» (Afkhani, 1998). «تاریخ صنعت گاز ایران؛ مصاحبه با محسن شیرازی» (Afkhani, 1999b). «تاریخ صنعت پتروشیمی ایران؛ مصاحبه با باقر مستوفی» (Afkhani, 2001a). «سیاست و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران؛ مصاحبه با علی‌نقی عالیخانی در باره سیاست‌های اقتصادی دهه ۱۳۴۰» (Afkhani, 2001b)؛ یعنی دهه‌ای دولت تمام‌عیار و با تمام قوا به صحنه اقتصاد وارد شد و ابزارهای نوین چون بانک مرکزی، سازمان برنامه و بانک‌های تخصصی در توسعه اقتصادی سود جست (Afkhani, 2001b). «جامعه، دولت، و جنبش زنان در ایران؛ مصاحبه با مهرانگیز دولت‌شاهی» (Afkhani, 2002). جایگاه زنان در تاریخ شفاهی ایران کم‌رنگ است و همان‌طور که قسمت آخر خواهیم گفت، یکی از ویژگی‌های تاریخ شفاهی و شرح حال‌نویسی بیان خود (self expression) در مقابل یا در کنار جامعه است.^۳ مجموعه «توسعه و عمران در خوزستان» که از جمله اولین آثار این مجموعه

بوده است (Afkhani, 1994). «مجموعه مصاحبه با عبدالمجید مجیدی» (وزیر کار دوره پهلوی و رئیس سازمان برنامه)، «خداداد فرمانفرمایان و گودرزی در باره سازمان برنامه و تصمیم‌گیری اقتصادی و نقش شاه و رابطه وی با کارشناسان» (Afkhani, 1999a). به طور کلی می‌توان گفت که این مجموعه با هدف رفع ابهامات از تصمیم‌گیریهای اقتصادی و نیز شفاف کردن حوزه کارشناسی و تعیین صحت آمار و اطلاعات رسمی در تاریخ معاصر اقتصادی تهیه شده است.

طرح تاریخ شفاهی اقتصادی دانشگاه لندن

این طرح که در سال ۲۰۰۰م. در دانشگاه لندن، مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای به مدیریت نویسنده آغاز شد، هدفش جمع‌آوری روایت فعالان اقتصادی از تجربه خودشان در دوره پهلوی بود. آنچه در تاریخ اقتصادی معاصر از این دسته وجود دارد، این است که فعالان اقتصادی و کارآفرینان ایران از میان گروه کارخانه‌داران و بازرگانان از اواسط دهه ۱۳۳۰ش به یک گروه برجسته اجتماعی-اقتصادی شامل صنعتگران بزرگ، بانکداران، صادرکنندگان، واردکنندگان، پیمانکاران و مهندسان مشاور توسعه یافتند. اما فهم چگونگی شکل‌گیری و توسعه این گروه بر پایه اقتصاد و مدیریت مدرن بدون وجود این روایت‌ها نمی‌توانست به ابهاماتی در مورد خاستگاه آنها، یعنی خاستگاه بخش تجاری یا زمینداری، نحوه توسعه فعالیت‌ها از بخش تجاری به بخش صنعت، از بازارهای محلی به بازارهای ملی و منطقه‌ای، نحوه تأمین اعتبارات، نقش آنها در اتاق بازرگانی و انجمن‌های حرفه‌ای، تأثیر آنها بر سیاست‌های اقتصادی و غیره دست یافت. ضبط تجربه این گروه با مشکلات خاصی روبه‌رو بوده که شاید در طرح‌های دیگر وجود نداشت، گرچه تعهد روش‌شناختی این مجموعه مانند دیگر طرح‌های تاریخ شفاهی بود. بر خلاف سیاستمداران، روشنفکران، هنرمندان، و حتی روحانیان که خاطرات خود را نوشته و یا حاضر به مصاحبه شده‌اند، فراوانی خاطرات فعالان اقتصادی و سرمایه‌دارانی که خاطرات خود را نوشته باشند، شاید از انگشتان یک دست هم تجاوز نکند. به همین سبب، کار این طرح به مراتب از سایر طرح‌ها مشکل‌تر بود. روش‌شناسی این مجموعه بر اساس مصاحبه باز، عمدتاً بر اساس مدل تاریخ شفاهی

هاروارد قرار داشت. مصاحبه با مقامات اقتصادی و مدیران بانک‌ها و برخی صاحبان صنایع در اولویت قرار گرفته است. در این طرح با بسیاری گفتگو شد، اما تنها شش مصاحبه ضبط گردید و شانزده ساعت گفتگو جمع‌آوری شده است که در مرحله استخراج قرار دارد (Saeidi, 2004).

سایر مجموعه‌های موجود تاریخ شفاهی نیز عبارت‌اند از:

تاریخ شفاهی فعالان چپ

این مجموعه در مؤسسه بین‌المللی تاریخ اجتماعی هلند، به مدیریت تورج اتابکی در حال تهیه است. تا کنون با ۲۸ نفر مصاحبه شده و ۲۶۲ ساعت نوار صوت تهیه شده است.^۴

تاریخ شفاهی روابط ایران و آمریکا

این مجموعه در دفتر مطالعات ایران تهیه می‌شود که هدفش گفتگو با مقامات ارشد آمریکایی در باره سیاست‌های خارجی آمریکا در مورد ایران است.^۵

تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی

گفتگو با یهودیان ایرانی اعم از فرهنگی و روزنامه‌نگار و هنرمند.^۶

روش‌شناسی تاریخ شفاهی: عینیت علمی، اهداف و روش‌شناسی

نکات روش‌شناختی زیر باید در بیشتر طرح‌های تاریخ شفاهی رعایت گردد تا یک مجموعه علمی به حساب آید. برخی از این نکات شاید در برخی کشورها انجام نشود، اما در مورد تاریخ شفاهی‌های ایران این مسئله صورت دیگری دارد.

۱. قدم مهم اولیه که باید به عنوان یک نکته روش‌شناختی توجه شود، فهرست کردن افراد برای مصاحبه است. ما باید معیارهای خود را در این مورد انتخاب و ارائه کنیم.

۲. اولویت‌بندی: به طور مثال، در تمام طرح‌های تاریخ شفاهی ایران اولویت به مسن‌ترها و برجسته‌ترین آنها داده می‌شود؛ چون تاریخ شفاهی‌های ایران در وهله اول به

جمع‌آوری روایت‌های نخبگان سیاسی پرداختند، به دو دلیل دست به اولویت‌بندی زدند:

یک. به دلیل زمان کوتاه زندگی؛ برای مثال، بعد از انقلاب بسیاری از سرمایه‌داران اصلی دوره پهلوی مانند حبیب ثابت، صاحب کارخانه‌های شیشه‌سازی و یکی از قدیمی‌ترین کارآفرین که بخشی از فعالیت‌هایش مربوط به دوره جنگ جهانی و حضور نیروهای «متفقین» در ایران بود؛ سعید هدایت، صاحب کارخانه نقش جهان؛ ابونصر عضد، صاحب نیشکر اهواز؛ طاهر ضیایی، صاحب سیمان خوزستان و فارس و رئیس چند دوره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ محمود رضایی، صاحب مس سرچشمه؛ احمد خیامی، صاحب فروشگاه‌های کوروش و بیمه آسیا؛ نمازی، صاحب کارخانه آجرسازی و نساجی؛ رشیدیان، صاحب عمده بانک تعاون و توسعه؛ علی کاشانچی، از قندشاه زند؛ حسین قاسمیه، از گروه صنعتی پارس؛ حاج محمدتقی برخوردار، از پارس الکتریک؛ سلیمان وهازاده، محسن لک از جنرال تایر و شریک در ساختمان ثابت پاسال با پناهی؛ محمد فاتح، از جهان چیت؛ حسین علاقبند، صادرکننده عمده پنبه و معروف به سلطان پنبه، در گذشته اند که چیزی از آنها ثبت نشد و بسیاری دیگر در سنین کهرلت هستند.

دو. به دلیل اینکه دیگر کمتر به بازگشت به قدرت گذشته فکر می‌کردند؛ لذا به فکر پنهان کردن خاطرات بر نمی‌آمدند. در مورد تاریخ شفاهی هاروارد ترتیب مصاحبه‌ها به این صورت بود: مسن‌ترها و اعضای بالاتر طبقه حاکم؛ در مرحله بعد با روشنفکران و فعالان جنبش‌های دانشجویی دوره پهلوی، فعالان چپ، اعم از توده‌ای‌ها، مجاهدین، فدایی‌ها و... روحانیان و مجتهدان و برخی مقامات سیاسی بعد از انقلاب نیز مصاحبه شد.

۳. موافقت‌نامه رسمی میان روایت‌کننده و مجری. رعایت این امر بسیار مهم است؛ یعنی دادن اطمینان که روایت‌کننده هر شرطی داشته باشد، باید انجام شود. بنابراین، شما باید در فضایی باشید که نهادهای تحقیقاتی بتوانند از این قراردادها و تعهدات حمایت کنند؛ در غیر این صورت، ممکن است بسیاری حاضر به گفتگو با شما باشند، اما حاضر به ضبط روایت‌هایشان نباشند. مصاحبه‌های غیرضبط‌شده را به سختی می‌توان بدون

تقویت از سایر منابع به عنوان مدارک مستقل و قرآنی معتبر به شمار آورد. به هر حال، شما باید بتوانید شروط مصاحبه‌شونده را، برای مثال، وقتی درخواست کند تا ده سال بعد از مرگش متن آنها را منتشر کنید، به نحو قانونمند و باضابطه انجام دهید.

۴. تأکید در مصاحبه‌ها بر اینکه در این طرح ما به تجارب و خاطرات روایت‌کننده نیاز داریم؛ نه عقاید شخصی. حداقل در مورد ایرانی‌ها این مسئله وجود داشته است که روایت‌کننده ممکن است از این فرصت استفاده کند و به تبرئه خود بپردازد یا روایت‌های حاشیه‌ای کند؛ مثلاً در باره دوره کنونی و سیاست‌های اقتصادی فعلی حرف بزند. البته اگر امکانات وجود داشته باشد، همین هم خود نوعی حدیث نفس است و ممکن است حاوی اطلاعات و مدارک دیگری باشد.

۵. ایده‌آل این است که بتوان در چند مرحله مصاحبه را انجام داد. یا دست کم بتوان در دو مرحله: در مرحله نخست، سؤالات باز باشد و در مرحله دوم به سؤالات خاص تری از همان مسائل مطرح‌شده در مرحله اول پرداخته شود. معمولاً هم یک گفتگوی مقدماتی لازم است. در مورد تاریخ شفاهی اقتصادی این مسئله خیلی لازم است تا اهمیت کار خوب توجیه گردد (Ladjevardi, 1985).

۶. آشنایی مصاحبه‌کننده با دوره‌ای که در باره آن گفتگو می‌شود و شخص مصاحبه‌شونده

۷. تهیه فهرست نام‌ها و نمایه: تا در یک مجموعه دیده شود که (الف) تا چه حد ما توانسته‌ایم نظر افراد مختلفی که در باره هم روایت‌هایی داشته‌اند، از منابع مختلف جمع آوری کنیم. (ب) این کار برای دیگر محققان که دنبال منابع خام در باره افراد مختلف هستند نیز مهم است.^۷

۸. از همه مهم‌تر اینکه هر طرح باید زیر نظر یک گروه علمی و دانشگاهی باشد. این را ما در فلسفه علم «اجتماع عالمان» می‌گوییم. نظارت آنها ضامن عینی بودن کار جمع آوری است. پس اگر سازمان‌های مختلف بخواهند این کار را بکنند، غیر از همکاری با دانشگاه امکان ندارد این مجموعه ارزشی پیدا کند.

نقش تاریخ‌های شفاهی در تحلیل‌های تاریخی اقتصاد ایران

گرچه بیشتر روایت‌ها در طرح‌های تاریخ شفاهی با صاحب‌منصبان سیاسی، روحانیان و روشنفکران و فعالان سیاسی بوده است، از آنجایی که برخی این مسئله را مطرح می‌کنند که مطالعه تاریخ اقتصادی تعریف خاصی ندارد و بین تاریخ حوادث اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است، به خوبی می‌توان از این گونه جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیقات تاریخی - اقتصادی استفاده کرد (Outhwaite And Bottomore, 1993). به علاوه به طور خاص برخی از این روایت‌ها حاوی نکات جالبی است و در شرایط کمبود مدارک و اسناد نکات کوری را در تاریخ ما روشن کرده‌اند. در تاریخ شفاهی هاروارد از مقامات اقتصادی زیادی مصاحبه گرفته‌اند؛ از جمله عبدالمجید مجیدی، وزیر کار و سرپرست سازمان برنامه. اظهارات وی در مورد رابطه شاه و وزرا از یک طرف و نقش وزرا در تصمیم‌گیری و یا صرف اطلاع‌دهندگی مصوبه‌های شاه به مردم و بسیاری مسائل دیگر؛ چون علل تشکیل حزب رستاخیز، حوادث تجدیدنظر در برنامه پنجم و غیره حائز اهمیت است (لاجوردی، ۱۳۸۱). همچنین رضا مقدم، اولین قائم‌مقام بانک مرکزی ایران و مدیرعامل بانک توسعه و سرمایه‌گذاری که شرح درگیری کارشناسان اقتصادی با شاه و نیز چگونگی اجرای برنامه تثبیت اقتصادی در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۱ که یک اراده سیاسی و کارشناسی را برای کنترل تورم نشان می‌دهد و نیز نمودار بانک مرکزی در سالهای اولیه تأسیس که بر دو اداره، یعنی نظارت بر بانکها و بررسیهای اقتصادی استوار بود، نشان می‌دهد.^۱ از دیگر شخصیت‌های اقتصادی می‌توان به مصاحبه با محمد یگانه (رئیس کل بانک مرکزی) و ابوالحسن ابتهاج (مرد قدرتمند دستگاه برنامه‌ریزی) اشاره کرد.^۱

با استفاده از این روایت‌ها تصویر بسیار بهتری از آنچه وجود داشته است، از دوره مداخله گسترده دولت در اقتصاد و شروع دوره تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی توسط دولت از طریق نهادهای مداخله‌ای چون بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و بانک‌های تخصصی و طرح‌های زیربنایی مانند پتروشیمی، انرژی اتمی، ذوب‌آهن و غیره می‌توان ترسیم کرد.

همچنین، مصاحبه با برخی سرمایه‌داران مانند سید محمد لاجوردی و اکبر لاجوردیان و قاسم لاجوردی (تصویر جالبی از تاریخ اتاق بازرگانی، تأثیر اتاق بر سیاست‌های اقتصادی، فشارهای بیرونی دربار و مقامات سیاسی در دوره‌های مختلف بر استقلال اتاق، برخی دلایل تضاد بین تجار و بازرگانان با صاحبان صنایع مدرن بر اساس روایت آن‌ها) به دست می‌آید.

سلسله مطالعات شفاهی پیرامون توسعه اجتماعی و اقتصادی در دوره پهلوی در میان سالهای ۱۳۲۰-۱۳۵۷ توسط مرکز مطالعات ایران رهیافت خاصی دارند؛ چون مصاحبه‌ها بیشتر حول موضوعات توسعه نهادها و سازمان‌ها دور می‌زند. لذا کمتر به شرح خاطرات شخصی چهره‌های مهم در فرایند تصمیم‌گیری اقتصادی پرداخته شده است؛ به ویژه در دوره رشد نهادهای مالی دولتی. در این رابطه از دو مسئله نباید غفلت کرد که در پناه این دو مسئله، مطالعه این خاطرات می‌تواند مؤثرتر افتد: اول، ظهور این نهادهای اصلی انباشت با توسعه ساختار سیاسی رژیم پهلوی مصادف بود. به این عبارت که ما با افزایش استقلال دستگاه اجرایی دولت از قوه مقننه روبه‌رو هستیم که در این میان، رفته‌رفته قدرت در دستان گروه نخبه‌ای کوچکی با محوریت شاه و دربار متمرکز می‌شود؛ دوم، به همین موازات دولت در توزیع سهم قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌های قابل سرمایه‌گذاری در اقتصاد نقش محوری می‌یافت. این دو عامل، قدرت دخالت اقتصادی دولت را افزایش داد و نیروی بالقوه زیادی را برای نظارت بر شیوه و الگوی سرمایه‌گذاری در اقتصاد اعمال کرد.

گفتگوهای کتاب مصاحبه با مجیدی و دیگران و نوشته‌های موجود بر این مسئله تأکید دارند که سازمان برنامه برای اطمینان از تأثیر تلاش‌های برنامه‌ریزی توسعه‌ای دولت در زمان بی‌ثباتی سیاسی و عدم سازماندهی اجرایی تأسیس شد و در ابتدا، به لحاظ مالی نهادی مستقل از تشکیلات اجرایی عادی دولت به حساب می‌آمد. چیزی که ابتهاج، اولین رئیس قدرتمند آن، همیشه در پی آن بود (لاجوردی، ۱۳۸۱). طی دو برنامه اول توسعه ۱۳۲۸-۱۳۴۱ سازمان برنامه به طور عمده درگیر ایجاد تنظیم و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری خود، مستقل از ادارات دولتی دیگر بود. استقلال اولیه سازمان برنامه در واقع، بر ساخت موقعیت سیاسی ایران در آن زمان منطبق بود. اما با

وحدت سیاسی و اجرایی بیشتر دولت بعد از ۱۳۴۱، سازمان برنامه وظیفه ایجاد تنظیم و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری منحصر به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی دیگر را رها کرد. این مسئله در خاطرات فرمانفرمایان به خوبی دیده می‌شود. از آغاز برنامه سوم با تشکیل شورای عالی اقتصاد که در تلاش برای هماهنگی بیشتر در سیاست اقتصادی دولت بود، سازمان برنامه در کنترل نخست وزیری در آمد و این موجب عزل ابتهاج گردید. در ترمیمات جدید تمام مسئولیت‌های سازمان برنامه اعم از برنامه‌ریزی ملی، نظارت عالی بر اجرای طرح‌ها توسط وزیران مسؤل و ادارات و تأمین مالی برنامه‌های تصویب‌شده از طریق بودجه متمرکز شده دوباره بررسی شد. با آغاز برنامه پنجم در سال ۱۳۵۲ هنگامی که بودجه‌های عمرانی و جاری دولت یکی شدند، سازمان برنامه استقلال مالی خود را از دست داد.

فرمانفرمایان همچنین به شرح و تمایز رهیافت برنامه‌ریزی خود از ابتهاج می‌پردازد. وی می‌گوید: «رهیافت ابتهاج به برنامه‌ریزی رویه شکافی (the wedge approach) بود؛ یعنی استقلال مالی سازمان برنامه، و تخصیص کل درآمدهای نفتی به امر طرح‌های عمرانی (و نه به ارتش و بودجه جاری)». در مقابل رهیافت ابتهاج، فرمانفرمایان رویه جبهه‌ای (the frontal approach) را مطرح می‌کند؛ یعنی دخالت وزارتخانه‌ها در امر برنامه‌های عمرانی به عنوان مجری طرح. اما ابتهاج می‌گفت: نباید پول در دست وزارتخانه‌ها باشد. «به گفته مخالفان ابتهاج در وزارتخانه‌ها همین رویه سازمان برنامه را دولتی در دولت کرده بود که با رشد نارضایتی‌های نمایندگان مجلس و وزرا ناچار با طرح ماده واحد در زمان اقبال عمر این رویه وی و کاربرد اداری‌اش به سر آمد» (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۱۹۲-۳). ابتهاج می‌گفت: «اگر کارهای اجرایی از سازمان برنامه برود، دیگر کسی به آن وقعی نمی‌گذارد» (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۱۹). سؤالی که افخمی در مورد این رویه ابتهاج مطرح می‌کند، یکی موضوعات مطالعاتی در تاریخ برنامه‌ریزی به شمار می‌آید که شایسته تحقیقات بیشتر است: آیا تأکید ابتهاج بر برنامه‌ریزی مرکزی پیامدهای نامطلوب تمرکز در نظام برنامه‌ریزی را پدید نیآورد؟ (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۰۵) چیزی که بر اساس گفته‌های فرمانفرمایان بینش اصلی برنامه پنجم شد؛ یعنی تمرکززدایی. اما مسئله جالب توجه این است که هم ابتهاج و هم

فرمانفرمایان به سبب تأکید بر رهیافت‌های خود از سازمان برنامه رقتند. فرمانفرمایان هم نتوانست در مقابل واگذاری اجرای طرح‌ها به وزارتخانه‌ها، بودجه کشور را از دارایی به سازمان برنامه بیاورد تا اهمیت این سازمان از بین نرود (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۱۹-۲۲۰). به هر حال، ابتهاج جای خود را به خسرو هدایت می‌دهد، مردی که بر خلاف ابتهاج می‌دانست نباید سیاست را در امر اجرای برنامه‌ها ناچیز گرفت (افخمی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳). یکی از حسن‌های مصاحبه با فرمانفرمایان نشان دادن این مسئله است که بر خلاف نظر عمومی، فن سالار (تکنوکرات)‌های تحصیل کرده امریکا در پی استقرار تمام‌عیار یک نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار نبودند: «ما طوری تربیت شده بودیم که معتقد به یک ایده خیلی ساده بودیم که دولت می‌تواند و باید آگاهانه به سوی اهداف اقتصادی قدم بر دارد. به وسیله اقدامات دولت ما می‌توانیم در سازوکار بازار دخالت کنیم... عرضه و تقاضا زیربنا برای مملکت نمی‌سازد» (افخمی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰). اما بعد توضیح می‌دهد که درصد کنترل دولت روی منابع کل کشور به نسبت بخش خصوصی را محاسبه می‌کردیم و در صدد کاهش این نسبت به نفع بخش خصوصی بودیم. مسئله مهم دیگری را که فرمانفرمایان به عنوان ضعف سازمان معرفی می‌کند، عدم توجه برنامه برای آحاد مردم است. «ما روابط عمومی درست نداشتیم که برنامه‌های کلان را برای مردم توجیه کنیم». اما باید گفت که ضعف این برنامه حداقل در چارچوب دستگاه‌های نظام سیاسی مربوط به عدم اختیارات مجلس شورای ملی می‌گردید؛ به این نحو که خواسته‌های مردم از طریق نمایندگان یا منعکس نمی‌شد و یا بازتاب آن در برنامه‌ها عملیاتی نمی‌گردید. مسئله جالب دیگر در گفته‌های فرمانفرمایان احداث ذوب‌آهن است: «احداث ذوب‌آهن یکی از گران‌ترین صنایعی بود که در ایران پایه‌گذاری شده... ولی متأسفانه [به عدم احداث آن] یک جنبه عدم وطن‌پرستی دادند... می‌گفتند... اگر آدم می‌خواهد مستقل باشد از سیاست خارجی، باید آهن خودش بسازد» (افخمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵). اختلاف سازمان برنامه با شریف اسامی هم بر سر اجرای همین طرح بود. احداث برخی از این نوع طرح‌ها بدون توجه اقتصادی توسط تحصیل‌کرده‌های امریکا و فن‌سالاران دهه ۴۰ و ۵۰ و یا ابلاغ قوانینی مانند تقسیم سهام کارخانه‌ها در میان کارگران در حالی که کشور در شروع دوره صنعتی

شدن قرار داشت، تسلط اندیشه سوسیالیسم و اجتناب‌ناپذیری آن را حتی در میان شاه و اطرافیان به خوبی نشان می‌دهد (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۵-۲۳۶).

فرمانفرمایان همچنین توضیح می‌دهند که در لزوم اصلاحات ارضی او و دوستانش در ابتدای برنامه سوم قانع شده بودند که این امر اقدامی ضروری است. تمامی فن‌سالارانی که او نام می‌برد، از خانواده تجار و ملاک آمده بودند و از انجام تغییرات ارضی راضی بودند و امریکا هم بر انجام آن اصرار می‌ورزید. بر اساس گفته‌های وی، حتی برخی از ملاکان نیز خود دست به فروش اراضی خود زده بودند (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۶-۲۳۸). فرمانفرمایان هنگامی بار دیگر به سازمان برنامه برمی‌گردد که دیگر گروه مشاوران خارجی هاروارد رفته بودند، اما رهیافت جبهه‌ای‌اش به برنامه‌ریزی و نهاد سازمان برنامه بدون حضور او انجام شده بود؛ یعنی کارهای اجرایی به وزارتخانه‌ها رفته و بودجه به سازمان برنامه آمده بود. توضیحات دیگر وی مسائل زیادی را روشن می‌کند؛ از جمله اینکه فن‌سالارانی که به سازمان برنامه آمده بودند، ایده برنامه‌ریزی را به صورت ایده فنی می‌دیدند و نه در قالب یک فلسفه سیاسی خاص. لذا هیچ چارچوب و طرح مشخص سیاسی خاصی در نظام سیاسی دوره پهلوی نداشتند. در نتیجه، واکنش آن‌ها در مقابل طرح‌های نظامی شاه یا طرح‌هایی که دربار با اعمال نفوذ انجام می‌داد، تنها استعفاء یا خروج از سازمان برنامه و یا واگذاری طرح به دربار بود (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۵۸-۲۶۳).

ارزیابی پیامدهای ناخواسته گسترش تاریخ شفاهی: فرد و جامعه

روایت‌ها، پیاده‌شده و نشده، از نوع خاطره‌های فردی (memoir) اهل دیوانی است که اینک بعد از روایت شدن به صورت یک منبع و مأخذ با ارزش تاریخ‌نگاری درآمده است.^{۱۰} به قول تود (Todd) در کتاب (Autobiographies in Freud and Derrida) می‌توان گفت که این خاطرات به صورت متنی درآمده‌اند که پس از نقل، زندگی مستقل خود را یافته و اینک آنچه واقعیت یافته است، چیزی جز متن نیست که در باره آن گفتگو شود. لذا این خاطرات اینک آماده‌اند تا در معرض نقد و تحلیل تاریخی قرار گیرند و آنها را باید با توجه به موقعیت کنونی راوی و تاریخ حیات وی و اوضاع و احوال زمان و

خلقیات و روحیات راوی خاطره قرار داد تا بتوان رویدادهای تاریخ معاصر دوره پهلوی را که غالباً ناشناخته و پرابهام است، در روشنای آن دریافت. به عبارت دیگر، باید گفت که با موقعیت اسناد و منابع یعنی دانستنی‌های ما از تاریخ معاصر در مقابل مسائل مطرح و حل‌نشده و مبهم در این دوران، اگر هم این خاطرات و یا هر نوع خاطره‌ای از عناصر کم‌اهمیت تا عناصر مهم به قصد تیرنه نظام سیاسی هم طرح و گردآوری شده باشد، همچنان ارزشمند هستند؛ زیرا به هر حال، نمودار آرای روایان است. به علاوه در این راستا به ویژه رشد مجموعه‌های تاریخ شفاهی باید از طرف دانش‌پژوهان و محققان به عنوان یکی از عناصر مهم تحقیق استقبال گردد. ذکر این مسئله بدین سبب است که برخی چنان چاقوی نقد بر این گونه مجموعه‌ها می‌کشند که اساس عینیت و اعتبار علمی خاطره‌های فردی از این نوع را زیر سؤال می‌برند و یا دست کم اینکه به طور اخص به نوع سؤالات مطرح‌شده با روایان معترض‌اند. باید به این مسئله توجه بیشتری شود که موضوع تاریخ شفاهی در ادبیات تحقیقی امر نونهالی است و بنابراین، تمامی اقدامات برای ایجاد این تاریخ مراحل توان‌فرسایی را طی کرده است. ممکن است برخی بر این گمان باشند که چرا سؤالات مهم‌تری را با روایان در میان گذاشته نشده و یا چرا به طور انتقادی‌تر با آنها مصاحبه نکرده‌اند؟ از آنجایی که گریزان بودن از ثبت هر نوع نشانه و ایجاد سندی و روایت یا حدیث نفس (تویوگرافی) در بین بیشتر نخبگان سیاسی و حتی اقتصادی، از جمله عادات ماست، جلب توافق نخبگان به گردآوری خاطرات و نشستن پای سخن آنان کار آسانی نیست؛ چه رسد به طرح سؤالاتی که خود موضوع تحقیقات مفصل‌تری است. بنابراین، طرح سؤالات انتقادی فضای گفتگوی و گردآوری خاطرات را کدر و شبه‌مضاوت‌ارزشی می‌کند و لذا واکنش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزاند که به همان اندازه از اعتبار چنان خاطراتی می‌کاهد.

یادداشت‌ها

۱. ضبط صوت وسیله‌ای ارتباطی است که وجوه فردگرایانه زیادی دارد؛ زیرا امکان دارد فرد مصرف‌کننده بر وسیله تسلط داشته و به طور فعال عمل کند. فرد صدای خود را ضبط می‌کند و خود را بلافصل در آن می‌یابد. به عبارت دیگر، بر خلاف بیشتر وسایل ارتباطی این وسیله دوسویه است و فرد در آن حریم شخصی خود را تعریف‌شده نیز می‌بیند. همچنین، استفاده از انواع مختلف این وسیله از ضبط صوت‌های اولیه تا انواع مدرن و متنوع امروزی با رشد گرایش‌های فردگرایانه منطبق بوده است.
2. Iranian-American Relations, Oral History Research Office Columbia University, <http://www.Columbia.edu/cu/lweb/indiv/oral/guides/iran.Html>.
۳. برای بحثی در باره خاطره‌نویسی در میان زنان رک. Milani, 1996.
4. Iranian Left Oral History Project, (1920s-1990s), <http://www.iranian-l-o-history.com/Names.htm>.
5. Iranian-American Relations, Oral History Research Office Columbia University.
<http://www.Columbia.edu/cu/lweb/indiv/oral/guides/Iran.html>.
6. Iranian Jewish Oral History, Center for Iranian Jewish Oral History, <http://ssgdoc.bibliothek.uni-halle.de/vlib/ssgfi/infodata/002343.html>.
۷. برای مثال، یکی از انتقاداتی که احتمالاً به نویسنده کتاب «هویدا ابوالهول ایرانی»، عباس میلانی وارد است، عدم استفاده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هاروارد است؛ در حالی که نمایه‌نام‌ها در این مجموعه بارها از او نام برده است.
8. The Iranian Oral History Project, Centre for Middle East Studies, Harvard University, <http://www.fas.harvard.edu/~mideast/iohp/>
۹. همان جا.
۱۰. برای بحثی در مورد نقش خاطره در مطالعات تاریخی رک. اشرف، ۱۳۷۵، صص ۵۲۵-۵۳۸.

کتابنامه

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). تاریخ رهاشده. ع. ا. سعیدی. علم و ادب.
- یوسفی، مجید (۱۳۸۲). «مصاحبه مجید یوسفی با حبیب لاجوردی» در: کتاب هفته. شماره شهریور.
- لاجوردی حبیب (ویراستار)، (۱۳۸۱). «خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه»، ۱۳۵۱-۱۳۵۶. انتشارات گام نو.
- افخمی، غلامرضا (ویراستار)، (۱۳۸۱). توسعه در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، خاطرات منوچهر گودرزی، خداداد فرمانفرمایان و عبدالمجید مجیدی. انتشارات گام نو.
- اشرف، احمد (۱۳۷۵). «تاریخ، خاطره، افسانه». ایران‌نامه. سال ۱۴، پاییز. صص ۵۲۵-۵۳۸.
- Afkhami, R. (1994). *Umrān-e Khuzistan (Khuzistan's Development)*, Iran Interview with Abdorreza Ansari, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
- Id. (1997). *Barnāme-ye enerzhi-ye atomi-ye iran: talāsh-hā va tanish-hā* (Iran's Atomic Energy program: mission, structure, politics), Interview with Akbar Etemad, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
- Afkhami, R. & Afkhami, R. (1998). *Tahavvul-e san'at-e naft-e iran: negāhi az darūn* (The evolution of Iran's oil Industry), Interview with Parviz Mina, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
- Afkhami, R. (1999a). *Barnāme rizi-ye umrāni va tasmim giri-ye siyāsi* (Ideology, Process and Politics in Iran's Development Planning), Interviews with Manuchehr Gudarzi, Khodadad Farmanfarmaian, and Abdol-Majid Majidi. The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
- Id. (1999b). *San'at-e gāz-e iran: az āghāz tā āstāne-ye enqelāb* (The Evolution of Iran's Gas Industry: Organization, Policy, Assessment). Interview with Mohsen Shirazi, The Foundation for Iranian Studies,

- Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>,
- Id. (2001a). San`at-e petroshimi-e iran: az âghâz tâ âstâne-ye enqelâb (The Evolution of Iran's Petrochemical Industry). Interview with Baqer Mostowfi, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
 - Id. (2001b). Siyâsat va siyâsatguzâri-ye eqtesâdi dar iran, 1340-1350 (Ideology, Politics, and Process in Iran's Economic Development, 1960-1970). Interview with Alinaghi Alikhani, Iran's minister of economy, 1963-1969, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
 - Id. (2002). Jâme'e, dowlat, va jonbesh-e zanân-e iran, 1320-1357. (Women, State, and Society in Iran, 1941-1978). Interview with Mehrangiz Dowlatshahi, , The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.
 - Iranian-American Relations, Oral History Research Office Columbia University, <http://www.columbia.edu/cu/lweb/indiv/oral/guides/iran.html>
 - Iranian Jewish Oral History, Center for Iranian Jewish Oral History, <http://ssgdoc.bibliothek.uni-halle.de/vlib/ssgfi/infodata/002343.html>
 - Iranian Left Oral History Project (1920s-1990s). <http://www.iranian-l-o-history.com/Names.htm>.
 - Ladjevardi, H. (1985). "A Research note: role of oral History in Preparing Biographies". Iranian Studies, vol. Xviii, no.1, winter.
 - Milani, F. (1996). Writing Women's lives in Iran, Iran Nameh, XIV:4, Fall.
 - Saeidi, Ali A. (2004). Role of Iranian Oral History collection in preparing biographies, Paper presented at ISA Research Committee on Biography and Society RC38 and the ESREA Research Network, Biography and Life History, Roskilde, Denmark, March 6-9.
 - Outhwaite, William And Bottomore, (1993). The Blackwell Dictionary Of Twentieth-Century Social Thought, Edited By, Blackwell Publisher, U.K.